

منشور حقوق شهروندی روحانی: کشتار شهروندان به حکم قانون!

صفحه ۳

حمید تقوایی



سیر تحول رقابت دولتهای درگیر در سوریه و مسئله کرد در این کشور

محمد آسنگران

موافقین اسد خود مردم انقلابی در خیابان را مورد حمله قرار دادند و مخالفین اسد، شروع به تقویت جریانات اسلامی تروریست بویژه اخوانیهای سوریه کردند که شناخته شده بودند.

تقویت جریانات اسلامی تروریست مخالف اسد به سرعت وارد مرحله نظامی شد. شش ماه از عمر انقلاب مردم سوریه نگذشته بود که جریانات اسلامی به شکل مسلحانه وارد جنگ با ارتش و نیروهای سرکوبگر اسد شدند. از این مقطع به بعد قدم به قدم امکان حضور توده ای مردم معترض در خیابان سلب شد. هنگامیکه انقلاب توده ای و میلیونی مردم به جنگ مسلحانه گروههای مورد حمایت کشورهای منطقه علیه اسد تبدیل شد عملا مردم خانه نشین شدند و انقلاب رو به خاموشی نهاد.

با شدت گرفتن جنگ داخلی سوریه یعنی اوایل سال ۲۰۱۲ که انقلاب آزادیخواهانه مردم خورد و سناریوی سیاه به مردم این کشور تحمیل شد. بعد از آغاز جنگ داخلی در سوریه کشورهای غربی و ترکیه و عربستان یکی بعد از دیگری خواهان رفتن اسد شدند و بارها این را رسماً اعلام کردند. واقعیت هم این بود در این دوره روند اضمحلال ارتش و هیئت حاکمه سوریه آغاز شده بود و رفتن اسد ممکن و عملی بنظر میرسید. با شدت گرفتن جنگ

صفحه ۲

علاوه بر پیامدهای دراز مدت تصرف حلب از جانب ارتش سوریه و متحدانش، پیامدهای بلافصل آن که از هم اکنون قابل مشاهده هستند روند تحولات آتی رقابت دولتهای درگیر و تعادل قوای آنها را تا حدود زیادی نشان میدهد. برای وارد شدن به این بحث و درک درست این تحولات لازم است روند طی شده در چند سال اخیر را مروری کوتاه بکنیم.

انقلاب آزادیخواهانه مردم سوریه همه دولتهای دخیل در جنگ امروز سوریه را بشدت نگران کرده بود و هر دو طرف مخاصمه تصمیم گرفتند در قدم اول این انقلاب را شکست بدهند.

اولین هدف دولتهای حامی اسد این بود که انقلاب را شکست بدهند زیرا اسد مستقیم مورد تعرض انقلاب قرار گرفته بود و برای ادامه حاکمیت خود و متحدانشان باید آن انقلاب را شکست میدادند. به همین دلیل به یاری اسد شتافتند و نیروهای سرکوبگر اسد بیرحمانه از زمین و هوا انقلاب مردم را کوبیدند. هدف دولتهای مخالف اسد برای شکست انقلاب این بود که مانع گسترش این انقلابات به کشورهای منطقه بشوند. زیرا حاکمیت خود و متحدان منطقه ای شان را در خطر میدیدند. اما برای شکست انقلاب

قاضی محمد در میان کارگران کشت و صنعت مهاباد

صفحه ۳

نسان نودینیان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان، نسرین رضانعلی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

بازنشستگان فولاد در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ سیر تحول رقابت دولتهای...



داخلی سوریه و دخالت آشکار قدرتهای جهانی و دولتهای منطقه و روند روبه افول اسد انواع جریانات اسلامی سازمان داده شدند و امکانات نظامی و مالی زیادی در تقویت آنها بکار گرفته شد. در این پروسه ابتدا ارتش آزاد بوسیله ترکیه سازمان داده شد. همزمان ترکیه و عربستان و قطر با حمایت دولتهای غربی، داعش و جبهه النصره را آفدر تقویت کردند که عملاً آنها به نیروی اصلی مخالف اسد تبدیل شدند و ارتش آزاد تجزیه و به این دو نیروی اسلامی پیوستند. چنانچه اکنون ارتش آزاد سوریه قدرت قابل توجهی محسوب نمیشود.

در مقابل دولتهای مخالف اسد دولت روسیه و جمهوری اسلامی بیش از پیش به حمایت از اسد شتافتند. با هماهنگی دولت روسیه جمهوری اسلامی برای نجات اسد مجموعه‌ای از سیاست و تاکتیک اتخاذ کرد. دخالت در بحران بحرین و تقویت جریانات شیعه این کشور به منظور شکست حاکمان این شیخ نشین که متحد عربستان بود، تقویت حوثیها و تدارک جنگ داخلی در یمن برای شکست دادن متحدین عربستان، تقویت بیش از پیش جریانات اسلامی شیعه در عراق بویژه بعد از عقب نشینی نیروهای نظامی آمریکا از این کشور و تشویق آنها برای کمک به ارتش سوریه، اعزام نیروهای سپاه پاسداران به سوریه و تشکیل گردانهای نظامی تحت عنوان "مدافعین حرمین" "سپاه زینب یون" و... با دخالت مستقیم سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی، آتش بس با پ.ک.ک و پژاک و تقویت پ.ک.ک برای مقابله با دولت ترکیه، همزمان توافق با پ.ک.ک برای مستقر شدن این نیرو و متحذینش در مناطق کرد نشین شمال سوریه و عقب نشینی ارتش سوریه از این مناطق، تشویق و بسیج حزب الله لبنان برای کمک به ارتش سوریه و کمکهای مالی بی حد

و مرز به دولت سوریه و...

با این مجموعه اقدامات مدافعین و موافقین اسد عملاً کشور سوریه را به میدان جنگ و رقابت کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی تبدیل کردند. چنانچه اکثر شهرها ویران شده و بیش از نیم میلیون نفر کشته و نیمی از جمعیت ۲۴ میلیونی سوریه آواره شده اند.

اما در جبهه مخالفین اسد دولتها و قدرتهای دخیل در جنگ سوریه اهداف واحدی را دنبال نمیکردند. به مرور زمان آمریکا و متحذین غربی متوجه شدند که نقش و دخالت دولت ترکیه و عربستان و قطر علیه اسد بسیار پررنگتر از آمریکا و اروپا است. زیرا کنترل نیروهای اسلامی مسلح از جمله داعش، جبهه النصره، ارتش آزاد و دهها گروه تروریست دیگر که در سوریه میجنگیدند عملاً به دست ترکیه افتاده است و بخشا عربستان بر آنها نفوذ دارد.

در این مقطع زمانی بود که اردوغان از جانب محمد مرسی رئیس جمهور وقت مصر و رهبران حماس در فلسطین مورد قدردانی قرار گرفت و اعلام کردند که میخواهند حکومت مورد نظرشان چیزی شبیه حکومتی باشد که اردوغان مبتکر آن است. با این تحولات روند اوضاع به سمتی میرفت که ترکیه به قدرت اول منطقه تبدیل شود و عربستان که از قدرت اقتصادی بیشتری برخوردار بود و میخواست به مرجع همه جریانات اسلامی سنی در مقابل جریانات شیعی تبدیل شود در موقعیت ضعیف تری قرار گرفته بود.

عربستان در بحرین دخالت مستقیم نمود و مخالفین شیعه این شیخ نشین را سرکوب کرد. برای محکم کردن موقعیت خودش در مقابل طرحهای خاورمیانه بزرگ آمریکا و در مقابل قدرتی ترکیه وارد بند و بست با ارتش مصر شد و محمد مرسی رهبر اخوان المسلمین این کشور را سرنگون کردند. ناگفته نماند که اختلاف تاریخی اخوان المسلمین با عربستان نقش مهمی در اتخاذ این سیاست از جانب عربستان داشت. این اقدام ارتش مصر با انتقاد و نارضایتی اروپا و آمریکا و

ترکیه و حتی جمهوری اسلامی مواجه شد. اما عربستان بعد از شکست قدر قدرتی آمریکا در عراق به این سیاست "عمل مستقل" روی آورده بود. خود را قدرتی منطقه ای میدانست و سیاست مستقل خودش را اجرا میکرد. روسیه به منظور تضعیف آمریکا و متحذین غربی به عربستان چراغ سبز نشان داد و قرار داد سه میلیارد دلاری تسلیحات نظامی با ارتش مصر امضا کرد و این پول بوسیله عربستان پرداخت شد. با قدرتی ارتش مصر و سرکوب اخوان المسلمین و شکست مخالفین دولت بحرین، عربستان موقعیت قدرتمند خود در سطح منطقه را به نمایش گذاشت و با تشکیل ائتلاف علیه حوثیهای یمن وارد مرحله قدرتمند تری شد. با این اقدامات عملاً راهی بجز پذیرفتن معادله تازه برای آمریکا و غرب نماند.

با ملاحظه تحولات فوق آمریکا و متحذین غربی متوجه شدند از یک طرف مهمترین متحذین منطقه ای آنها یعنی عربستان سعودی، ترکیه و مصر هر کدام سیاست خود را پیش میبرند و از طرف دیگر با رقبای مهمی مانند روسیه و جمهوری اسلامی مواجه هستند. در چنین شرایطی بود که آمریکا برای جبران ضعف و بی اتوریته بودن خودش دست بکار تشکیل ائتلافی علیه داعش شد و تلاش کرد از این راه عربستان و ترکیه و مصر را در قالب جمع دولتهایی که رهبریش در دست آمریکا است مهار کند. البته از این طریق قدرت قویتری در مقابل رقبای جهانی و منطقه ای خود باشد و اعتماد از دست رفته دوستان منطقه ایش را دوبار کسب کند.

این اقدام آمریکا از همان روز اول با سرپیچی ترکیه مواجه شد. زیرا ترکیه با این تحولات مذکور موقعیت خود را روبه تضعیف میدید و در مقایسه با عربستان و جمهوری اسلامی به دولتی درجه سوم تبدیل شده بود. ترکیه برای جبرای ضعف خود تلاش کرد با تقویت داعش اجازه ندهد نیروهای کردستان سوریه مرزهای شمال سوریه را تصرف کنند. از این طریق تلاش کرد در مقابل روسیه زور بازوی خود را به هر دو طرف نشان بدهد. اما از یک طرف کمک آمریکا

به نیروهای ی.پ.ک در کوبانی عملاً این طرح ترکیه را خنثی کرد و عقب نشینی داعش آغاز شد. از طرف دیگر چراغ سبز روسیه به پ.ک.ک و اقدامات نظامی نیروی هوایی روسیه علیه نیروهای اسلامی متحد ترکیه در سوریه و اقدامات تلافی جویانه اقتصادی علیه دولت ترکیه اوضاع اردوغان را ضعیف تر از هر زمانی کرد.

ترکیه ناچار شد برای رهایی از این بن بست جنگ علیه پ.ک.ک را از سر بگیرد و تمام نیروهای مخالف خود در داخل ترکیه را مورد تعرض قرار بدهد. همزمان ناچار شد برای رهایی از این بن بست در مقابل پوتین زانو بزند و از سرنگونی هوایمی جنگی این کشور معذرت بخواهد. این سر آغاز راهی بود که ترکیه برای برون رفت از بن بست و روند رو به ضعف خود تدارک دید.

نزدیک شدن ترکیه به روسیه به این دلایل بود که هم روند رو به ضعف شدن خود را مانع بشود هم به این قناعت رسیده بود که آمریکا میخواهد در شمال سوریه دولتی تشکیل دهد و در این دولت نقش احزاب متحد پ.ک.ک محرز بود. ترکیه برای مقابله با این سیاست دولت آمریکا و برای شکست دادن مخالفین داخلی خود مجموعه ای از سیاستهای غیر قابل پیش بینی را در دستور گذاشت. نزدیکی ترکیه به روسیه و هماهنگ شدن نسبی با سیاست اسد و جمهوری اسلامی در سوریه از جمله سیاستهایی است که قبلاً کسی نمیتوانست آنها را پیش بینی کند. شاید خود اردوغان هم قبلاً چنین سیاستی به مغزش هم خطور نکرده بود. اما ضعف آمریکا در سیاست خارجی و عروج روسیه به عنوان قدرتی جهانی و نقش مهم اش در سوریه که مخالف سیاست آمریکا در سوریه بود نقطه ای بود که ترکیه و روسیه را به هم وصل کرد.

هر دو کشور تشکیل دولتی در شمال سوریه را به ضرر خود میدانستند. زیرا ترکیه با قدرتی پ.ک.ک و متحدینش در سوریه تحت فشار قرار میگرفت و روسیه هم از وصل شدن نفت و گاز کردستان عراق از این راه به دریای آزاد و فروش به اروپا جایگاه بدون رقیب خودش را در اروپا برای استفاده از صنعت نفت و گاز در خطر میدید.

ترکیه بعد از نزدیک شدن به روسیه و چراغ سبز این کشور توانست در شمال سوریه منطقه ای را در فاصله کانتونهای کوبانی و عفرین اشغال کند و مانع وصل شدن این دو کانتون به همدیگر بشود. اگر این دو کانتون به هم وصل میشدند مرزهای شمال سوریه و جنوب ترکیه تماماً تحت کنترل نیروهای ی.پ.ک قرار میگرفت و به معنی قدرت مانور پ.ک.ک بود و این برای ترکیه قدرت مانور زیادی باقی نمیگذاشت. اکنون متعاقب توافق ترکیه، روسیه و جمهوری اسلامی شرق حلب از نیروهای مخالف اسد خالی شده و ترکیه میخواهد شهر الباب که اکنون در دست داعش است را تصرف کند. به همین دلیل بخشی از مخالفین اسد میگویند شکست آنها در حلب نتیجه معامله ترکیه و روسیه بوده است. زیرا ترکیه مثل سالهای قبل امکانات و تسلیحات لازم را برای مقابله با ارتش اسد به آنها نرسانده است.

همزمان با این توافقات بود که ارتش سوریه توانست اپوزیسیون خود را در شهر حلب شکست بدهد. اکنون بعد از توافق سه جانبه ترکیه، روسیه و جمهوری اسلامی و خارج شدن جریانات مورد حمایت ترکیه از شهر حلب، و با توجه به اینکه در حال حاضر هفت منطقه از شهر حلب در کنترل نیروهای ی.پ.ک قرار دارد، ارتش سوریه از نیروهای ی.پ.ک خواسته است که وارد این هفت منطقه شوند. اگر چه این درخواست مورد موافقت نیروهای ی.پ.ک قرار نگرفته است اما با روند پیشروی ارتش اسد هفت محله شهر حلب که هنوز در دست نیروهای ی.پ.ک قرار دارد موضوع مورد مناقشه دولت اسد و نیروهای مسلح شمال سوریه خواهد بود. طبعاً ترکیه در این مناقشه خود را در کنار اسد و روسیه و جمهوری اسلامی قرار میدهد و حتی بیش از آنها تلاش خواهد کرد که نیروهای ی.پ.ک از این شهر و از کل مناطق عفرین خارج شوند. همچنانکه مدتها است که خواهان خارج شدن آنها از شهر منبج شده است.

اگر این روند همچنان ادامه پیدا کند دور از انتظار نیست که نیروهای مسلح حاکم در کردستان سوریه تحت فشار و حتی در نهایت مورد

قاضی محمد در میان کارگران کشت و صنعت مهاباد



نسان نودینیان

تدارم اعتصاب و اعتراض کارگران کشت و صنعت مهاباد، همبستگی طبقاتی و سراسری کارگران مجتمعهای صنعتی در در ابعاد سراسری از کارگران مجتمع مهاباد حمایت کردند و تاریخی را برای اعلام اعتصاب و اعتراض سراسری به منظور پشتیبانی از کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد اعلام کردند. این همبستگی طبقاتی در ابعاد سراسری نقطه درخشان اعتراض کارگران مجتمع صنعتی است.

اقای اسانلو! تاریخ سازی شما با هر نیتی انجام میشود برای توده مردم و کارگران مایه مزاح است. بیخود خودت را مسخره نکن. و اما در مورد کارگران کولبر و ترند "کولبران دلاور" آقای اسانلو اینجا هم شما با بکارگیری ترند "کولبران دلاور" در غرب کشور به انبیا ادبیات شاهی و سلطنت دست انداخته اید. و این دقیقا ادبیات سیاسی شما بشیوه شوینسیم عظمت طلب است.

کارگران کولبر جوانان و کارگرانی هستند که امروز در صف سونامی بیکاری در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی هستند. در مناطق مختلف و بویژه در مناطق مرزی شهرهای کردستان هزاران نفر از جوانان و کارگران اخراج شده برای تامین معیشت بکار کولبری مشغولند و کار ریسک و مرگ و زندگی را در اثر بیکاری طولانی مدت از روی ناچاری انتخاب کرده اند.

اقای اسانلو! لطفا این دکان شاه - سلطانی و تاریخ سازی دوران عهد عتیقی را کنار بگذارید. راه های سالمی برای ارتباط با جامعه و مردم وجود دارد که فقط و فقط مستلزم یک کمی استواری در سیاست است.

کشور را بکار میگیرد. وصل کردن اعتراض کارگران کشت و صنعت مهاباد به اصل و نسب احزاب و جنبش ناسیونالیستی اتنخاب نادرستی است که آقای اسانلو بکار گرفته است. این تاریخسازی آگاهانه یا نا آگاهانه توسل به ادبیات چیپ و نازلی است که مورد مزاح بینندگان برنامه آقای اسانلو قرار میگیرد. و اگر وصل کردن پیشینه قاضی محمد به یک مبارزه معین هم برای تهیج و بسیج "برادران کرد" در کشت و صنعت و خانواده هایشان است این دیگر خطای سیاسی و مضر است.

خدمت آقای اسانلو باید عرض کنم که مدتهای مدید و سالهای طولانی است که احزاب بورژوازی - ناسیونالیستی کرد از جمله حزب دمکرات ها از این فرهنگ چپ و نامربوط و این بهم پیوستگی تاریخ قلابی - ارتباط اعتراض کارگر برای تحقق خواستهایی مشخص - به جنبش ملی و بویژه به قاضی محمد متوسل نمشوند. تاریخ مصرف این نوع روایات بسر رسیده. رشد و ترکیب جمعیتی و انکشاف طبقاتی جامعه کردستان با ۶۰ سال گذشته کاملا متفاوت شده، ترکیب شهرنشینی در شهرهای کردستان عوض شده، کارگران قائم بذات و بر اثر تجارب اعتراضی و مبارزاتی تاکنون کسب شده وارد عرصه ای جدی از ابراز وجود اجتماعی شده اند که من و شما ابراز وجود آنها را در ده ها کمپین و اعتراض و حرکت کارگری و جنبش مدافع حقوق برابر زنان و جنبش دفاع از حقوق کودک تجربه کرده ایم. و اعتراض بیش از سه هفته اخیر در مجتمع کشت و صنعت مهاباد نمونه ای از ده ها اعتراض آنها است.

اقای اسانلو باور کنید و این را از ما بپذیرید که طبقه مزدبگیر و کارگر در شهرهای کردستان و مهاباد علاقه ای به هم سرنوشتی با احزاب کرد و ناسیونالیستی ندارد. مبارزه کارگران کشت و صنعت مهاباد برای گرفتن حقوق و مزدهایشان است که توسط کارفرماها و دولت پرداخت نمیشود. زندگی کارگران و خانواده هایشان بگرو گرفته شده است و کارگران چاره ای جز مبارزه رادیکال و امروزی ندارند. در ۴ ماه گذشته در

اخیرا منصور اسانلو در برنامه ای تلویزیونی با "مزدبگیران" در ارتباط با «تجمع اعتراضی کارگران کشت و صنعت مهاباد» اراجیف خود فریبانه و دروغ های شاخدار را بیان میکند که علاقمند نکات زیر را در رد این این سیستم خود فریب و دروغ پراکنی را بنویسم. خبر؛ درباره کارگران مجتمع سومین هفته اعتراضات کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد کارگران در مقابل کارخانه چادر زده اند. سه شنبه ۳۰ آذر: حدود ۱۰۰ کارگر مجتمع کشت و صنعت مهاباد از سه هفته گذشته تاکنون در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه شان در مقابل این کارخانه چادر زده و در جاده اصلی تجمع میکنند. این کارگران از خرداد ۹۴ فقط مبالغی به عنوان علی الحساب دریافت کرده اند و بیش از ۱۶ ماه دستمزد و حق بیمه شان را طلب دارند.

این کارگران که در هر شیفت بیش از ۴۰ تا ۵۰ تن هستند به دلیل سرمای شدید با روشن کردن آتش به صورت شیفتی در این چادر ها حضور دارند. مجتمع کشت و صنعت مهاباد چند سال پیش به بخش خصوصی واگذار شد. علاوه بر کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد، کارگران مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد نیز در این تجمع اعتراضی حضور دارند.

منصور اسانلو در برنامه مزدبگیران میگوید: «نکته مربوط به مهاباد خیلی مهمه، تعداد بسیار زیادی حضور پیدا کرده اند، هم اینکه توانسته اند سه هفته اعتراض را ادامه دهند. این از یک رشادفتگی در این مرحله از مبارزه در شهر قدیمی که قاضی محمدها پرچم عدالت، انسانیت آزادی را برافراشتند، که در ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ اعدام شد. و او منظورش قاضی محمد برای دفاع از حقوق اینها (منظورش) کارگران کشت و صنعت است برای مبارزه کرد و اعدام شد و برادرش را برای دفاع از اینها از دست داد»

و در بحث مرتبط به کارگران کولبر ترند "کولبران دلاور" در غرب

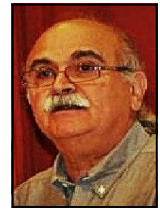
منشور حقوق شهروندی روحانی: کشتار شهروندان به حکم قانون!

شهروندان را بموجب قوانین اسلامی مجاز اعلام کرده برای به زباله انداختن کل منشور کذاتی کافی است.

معاون دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه مدعی است: "منشور حقوق شهروندی، نشانه ای از عزم ایران برای ارتقاء حقوق بشر است". این هم از آن نوع ادعاهای مسخره ایست که تنها میتواند پوزخند شونده را بدنبال داشته باشد. اگر قتل شرعی انسانها آنها بخاطر جرمهایی که در واقع حق پایه ای آنهاست، تبعیض فاحش در حق زنان، تبعیض علیه مردم منسوب به مذاهب دیگر، تعزیر و شکنجه اسلامی، قوانین عصر حجری قصاص و هزار و یک جنایت قانونی دیگری که هر روز جمهوری اسلامی مرتکب میشود را بتوان حقوق بشر نامید، منشور جناب روحانی را هم باید ارتقای حقوق شهروندی ارزیابی کرد.

جمهوری اسلامی رکورد دار اعدام در دنیا است و بخصوص در دولت روحانی اعدامها سیر صعودی داشته است. اعدام فی النفسه قتل عمد است و باید همه جا ممنوع شود اما در جمهوری اسلامی مساله دهشتناک تر است. در ایران تحت سلطه قوانین قصاص بیگناهان اعدام میشوند. قوانین شرعی اعدام انسانهای شریفی را مجاز میشمارد که جرمی بجز بر خورداری از حقوقی که در اسلام ارتداد و زنا و لواط و محاربه با خدا و تابوها و محرمات دیگری از این قبیل تلقی میشود، ندارند. نفس حکومت اسلامی و تحمیل قوانین شرعی به جامعه از اساس با حقوق بشر و حقوق شهروندی و کل تمدن انسانی در عصر حاضر در تناقض آشکار قرار دارد. راه حل این تناقض در بیزر کشیدن بساط جمهوری اسلامی و جمع کردن قوانین و تابوهای مذهبی از زندگی توده مردم است.

۲۲ دسامبر ۲۰۱۶



حمید تقوایی

"شهروندان از حق حیات برخوردارند. این حق را نمیتوان از آنها سلب کرد مگر به موجب قانون".

بند اول منشور حقوق شهروندی روحانی

طرح منشور حقوق شهروندی از جانب رئیس جمهور نظامی که همه هیت و قوانین و عملکردش بر سلب حقوق شهروندان بنا شده است انسان را بیاد مثل کچل و زلفعلی میاندازد. همین بند اول منشور را در نظر بگیرید. میگوید شهروندان را میتوان کشت اما بر اساس قانون! آن هم قوانین شرعی که تماما مبتنی بر تبعیض و بیحقوقی و نابرابری بین انسانها است. این بند یعنی میتوان شهروندان را از جرئت آویزان کرد، سنگسار کرد از بلندی به پائین پرتاب کرد و به هر طریق دیگری که قوانین اسلامی مجاز میشمرد به قتل رساند. جرم ها هم معلوم است: نزایطه جنسی خارج از ازدواج، ارتداد، همجنسگرایی و جرمهای دیگری از این قبیل که در هیچ جامعه ای که قوانین اسلامی بر آن حاکم نباشد اساسا جرم محسوب نمیشود بلکه حق پایه ای هر شهروندی است. در مورد برابری زن و مرد، حقوق مردم منسوب به مذاهب دیگر، آزادی بیان و دیگر ادعاهای توخالی ای که در این منشور کذاتی مطرح شده نیز عینا همین امر صادق است. قوانین اسلامی با تمامی این حقوق از پایه و ماهیتا مغایر است. اما حتی اگر این موارد هم نبود همان بند اول که کشتار

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

بازنشستگان فولاد در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند



بیش از ۸۰۰ نفر از بازنشستگان صنعت فولاد امروز ۷ دیماه در يك اقدام سراسری از شهرهای مختلف کشور به تهران آمده و با تجمع در مقابل مجلس اسلامی خواهان رسیدگی به وضعیت بازنشستگی دهها هزار کارگر بازنشسته صنعت فولاد شدند. بازنشستگان فولاد که از جمله از شهرهای کرمان، اصفهان، مشهد، مبارکه، زیرآب، طیس، سمنان، شاهرود، سنگرد به تهران آمده اند اعلام کرده اند که تا حصول نتیجه به تجمع اعتراضی خود در تهران ادامه میدهند.

تجمع کنندگان خواستار لغو خودگردانی صندوق فولاد، انتقال به صندوق بازنشستگی کشوری، مکلف شدن دولت به اجرای تعهدات و پرداخت مطالبات بازنشستگان، پرداخت به موقع حقوق و هزینه های درمانی بازنشسته فولاد شدند. بازنشستگان فولاد همچنین به تصویب بند ۹ بودجه سال ۹۱ که به موجب آن صندوق بازنشستگی فولاد از وزارت صنعت، معدن و تجارت جدا شده و منجر به سرگردانی بازنشستگان شده، اعتراض دارند. در تجمع همزمان معلمان بازنشسته و بازنشستگان فولاد نیز بر افزایش حقوق بالای خط فقر و درمان رایگان تاکید شد.

تجمع سراسری بازنشستگان فولاد در تهران اقدامی مهم در مسیر تجمعات و اعتراضات سراسری کارگران است. در دیماه سال قبل ۸۰۰ نفر از بازنشستگان صنایع فولاد در نامه ای به بازرسی کار بدلیل بدتر شرایط شرایط خود دست به اعتراض زدند. در اصفهان نیز کارگران بازنشسته فولاد در سالهای گذشته بارها دست به تجمعات هزاران نفره زده اند. بازنشستگان آموزش و پرورش نیز در مهرماه امسال همزمان در حدود ۲۰ شهر دست به تجمع زده و در آذرماه نیز در تهران و چند شهر دیگر تجمع کردند. بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی نیز در تهران بارها تجمع کرده و خواهان رسیدگی به خواست های خود شده اند.

تجمعات مکرر و سراسری بازنشستگان فولاد و آموزش و پرورش و بازنشستگان سازمان تامین گوشتی از روند سراسری تر شدن اعتراضات کارگران و زحمتکشان است و نشان میدهد که در میان بازنشستگان شبکه های سراسری و روابط گسترده ای شکل گرفته و زمینه برای متشکل شدن آنها در این سطح هرچه بیشتر فراهم شده است. وقت آن است که بازنشستگان در سطح شهری و کشوری متشکل شوند، مجامع عمومی خود را تشکیل دهند و با خواست های سراسری کل طبقه کارگر از جمله افزایش دستمزد بالای خط فقر، آزادی تشکل و اعتراض، لغو امنیتی کردن اعتراضات، درمان رایگان و تحصیل رایگان به میدان بیایند و همراه با خانواده های خود تجمعات هرچه قدرتمندتری تشکیل دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ دیماه ۱۳۹۵
۲۷ دسامبر ۲۰۱۶

از صفحه ۲ سیر تحول رقابت دولتهای..

رسمًا اعلام کرد آنها خواهان مصالحه با نیروهای نزدیک به بارزانی در کردستان سوریه هستند. لازم به توضیح است که در چند سال اخیر ی.پ.گ و نیروهای نزدیک به بارزانی در حال تخصص با همدیگر هستند. همزمان با اعلام این سیاست ی.پ.گ و پ.ک.ک هم اقدامات معینی را برای از سرگیری کنگره ملی کرد آغاز کرده اند و تا کنون با تعدادی از جریانهای سیاسی کردستان ایران و عراق ملاقات کرده و خواهان تعجیل در برگزاری کنگره ملی کرد هستند.

سیاست ترامپ در این مناقشه و رقابت سوریه چه خواهد بود. ولی آنچه تا کنون ترامپ رسماً اعلام کرده است سیاست هماهنگی با روسیه و ترکیه را میخواهد دنبال کند. بنابراین اگر این روند اعلام شده ترامپ طی شود نیروهای مسلح کردستان سوریه و پ.ک.ک در موقعیت سختی قرار خواهند گرفت. شاید به همین دلیل است که ی.پ.گ به عنوان اقدام پیشگیرانه اخیراً سیاست تازه ای را اعلام کرده است. نماینده این جریان در یک کنفرانس مطبوعاتی

تعرض هماهنگی ارتش اسد و دولت ترکیه قرار گیرند. زیرا هر سه کشور ترکیه، جمهوری اسلامی و روسیه اعلام کرده اند تمامیت ارضی سوریه را حفظ خواهند کرد و حاکمیت دولت دمشق برای آنها فرض است. اما این تحولی است که در قدمهای بعدی با هماهنگی روسیه و ترکیه و جمهوری اسلامی قرار است پیش برده شود و راه مصالحه نیروهای اپوزیسیون سوریه و دولت بشار اسد به اجرا گذاشته شود.

با این حال هنوز معلوم نیست



به کنگره ما بیایید!

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری در ماه مارس ۲۰۱۷ برگزار میشود
کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مارس ۲۰۱۷ به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بیایید.

برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم از جمله هزینه ورودی کنگره
با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن تماس: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم و
بدون "خطر" سوسیالیسم منجلاهی بیش نخواهد بود.

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

سومین هفته اعتراضات کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد. کارگران در مقابل کارخانه چادر زده اند.

سه شنبه ۳۰ آذر: حدود ۱۰۰ کارگر مجتمع کشت و صنعت مهاباد از سه هفته گذشته تاکنون در اعتراضات به تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه شان در مقابل این کارخانه چادر زده و در جاده اصلی تجمع میکنند. این کارگران از خرداد ۹۴ فقط مبالغی به عنوان "علی الحساب" دریافت کرده اند و بیش از ۱۶ ماه دستمزد و حق بیمه شان را طلب دارند.

این کارگران که در هر شیفت بیش از ۴۰ تا ۵۰ تن هستند به دلیل سرمای شدید با روشن کردن آتش به صورت شیفتی در این چادر ها حضور دارند.

مجتمع کشت و صنعت مهاباد چند سال پیش به بخش خصوصی واگذار شد. علاوه بر کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد، کارگران مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد نیز در این تجمع اعتراضی حضور دارند.

اعتراضات بخاطر تعویق پرداخت دستمزدها در شهرهای مختلف گسترده است و بنا بر خبرهای دولتی تعداد شکایات رسیده به هیئت های دعای کار ادارات کار، در سال گذشته بالغ بر یک میلیون و ۸۵ هزار مورد بوده است. تعداد یک میلیون و ۲۱ هزار از این شکایات در مورد بازگشت به کار، حقوق معوقه، تفاوت مزد، عیدی و پاداش، کمک هزینه اقلام مصرفی خانوار، تغییر شرایط کار، اضافه کاری، حق مسکن، طرح طبقه بندی مشاغل، حق عائله مندی، حق بیمه اجتماعی، کار

نوبتی و مرخصی استحقاقی و مابقی آن مربوط به سایر موارد بوده است. حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور، هفته گذشته اعلام کرد که اعتراض های اجتماعی، کارگری در ایران «تنها طی سه سال اخیر افزایشی ۶۹ درصدی» داشته است.

شلیک مستقیم به گولپر ۱۶ ساله

کولپر ۱۶ ساله در نتیجه شلیک مستقیم نظامیان حکومت ایران مستقر در مرز میان شهر ارومیه و ترکیه جان خود را از دست داد.

روز پنجشنبه دوم دی ماه، کولپر ۱۶ ساله "اوزجان خدایی کوران" اهل روستای کوران از توابع منطقه صومای برادوست ارومیه بر اثر شلیک مستقیم ماموران نیروی انتظامی به قتل رسید.

زخمی شدن کارگر کولپر بر اثر تعقیب و گریز

رحیم شیخکانلو از اهالی دهستان "قلعهدرسی" کارگر کولپر در مناطق مرزی شهرستان ماکو بر اثر تعقیب و گریز مأموران مسلح، از بالای صخره ای به پایین پرت شد. وبسایت مافیوز از بستری شدن این کولپر در مراکز درمانی شهر خوی خبر داده است.

بانده؛ گولپر اکنی به کاروان کولبران

نیروهای هنگ مرزی بانده با گولپره پراکنی به کاروان کولبران بهاءالدین عزیزپور کولپر ۴۵ ساله ای را مجروح کردند. بهاءالدین عزیزپور در حوالی روستای "سبدلو" توسط نیروهای انتظامی هدف گلوله قرار گرفت. گفته می شود وضعیت عمومی این کولپر در بیمارستان سندانج "وخیم" می باشد.

دستگیری

۳ دیماه، "ادریس اسماعیل زاده" از سوی نیروهای وزارت اطلاعات شهر سردشت بازداشت شد. ادریس در پارک "کودک" شهرستان سردشت بازداشت شده است. نیروهای امنیتی، این شهروند کرد را به اتهام "فعالیت سیاسی" از طریق یکی از احزاب کرد مخالف حکومت اسلامی ایران بازداشت نمودند. بازداشت ادریس از سوی نیروهای حکومتی با ضرب و شتم همراه بوده است.

اقدام ابتکاری

جمعی از شهروندان تبریز به پاس زحمات سربازی که در محل خدمت خود در پایگاه آموزشی عجبشیر، دادن به امنیتی کردن اعتراضات

که برای نجات یک قلاده سگ، جان خود را به خطر انداخته بود، رفتند. روز جمعه سوم دیماه، جمعی از شهروندان تبریزی با گل و شیرین در بیمارستان تبریز به عیادت سید محمد باختر، که به سبب انفجار مین پای خود را از دست داده بود، رفتند. هفته گذشته محمد باختر در حین سربازی برای نجات یک قلاده سگ که در میان سیم خاردار پایگاه عجب شیر گیر کرده بود، به علت انفجار مین نقض عضو از ناحیه پا شد.

دیدار شهروندان تبریزی در میان کاربران شبکه های اجتماعی بازتاب گسترده داشته است. همچنین در این زمینه، یکی از اعضای انجمن سبز چیا میروان، به نام کمال راستخانی، مسافت ۳۲۲ کیلومتری از میروان تا تبریز رکابزنی کرد. این عضو انجمن محیط زیست میروان با شعار "پشتیبانی از محیط زیست و همدردی با محمد باختر"، از میروان با دوچرخه عازم تبریز شد و پس از سه روز به این شهر رسید. روز یکشنبه ۲۸ آذرماه گذشته، محمد باختر اهل روستای "هانه شیخان" شهرستان میروان در شهرستان عجب شیر به سبب انفجار مین های کارگذاشته شده در اطراف پایگاه به شدت مجروح گردید.

اعمال فشار بر وثیقه گذاران جعفر عظیم زاده را قویا محکوم میکنند

صبح دیروز بدنبال احضار پروین محمدی به معاونت دادستانی تهران، برگ اخطاریه ای به عنوان وثیقه گذار جعفر عظیم زاده به ایشان ابلاغ شد. در این اخطاریه از پروین محمدی خواسته شده است تا ظرف مدت یکماه جعفر عظیم زاده را به زندان معرفی کند در غیر اینصورت نسبت به ضبط وثیقه برابر مقررات اقدام خواهد شد.

جعفر عظیم زاده با وثیقه ۴۵۰ میلیون تومانی و بدنبال اعتصاب غذایی شصت و سه روزه، در حالی که در بیمارستان سینا بستری بود، روز دهم تیر ماه آزاد شد. وی این اعتصاب را همراه با اسماعیل عبدی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان و از فعالان برجسته جنبش اعتراضی معلمان آغاز کرده بود. آنان در بیانیه ای که پیش از آغاز اعتصاب غذا از داخل زندان اوین صادر کرده بودند خواهان پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات

صنفی و برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی مدنی شده بودند. با این حال و علیرغم جنبش عظیمی که حول این مطالبه بر حق به میدان آمد حکم شش سال زندان اسماعیل عبدی در دادگاه تجدید نظر تایید و این معلم برجسته روز نوزده آبانماه بازداشت و به بند ۸ زندان اوین منتقل شد.

جعفر عظیم زاده بدنبال پایان اعتصاب غذا و آزادی، بلافاصله به دادگستری ساوه احضار و در آنجا علاوه بر شش سال محکومیت در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران که بر اساس آن از ۱۷ آبانماه سال گذشته زندانی شده بود، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب ساوه نیز با همان اتهامات به ۱۱ سال زندان دیگر محکوم و از ماه گذشته برای تداوم اجرای حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به زندان اوین فرا خوانده شد اما وی با غیر قانونی خواندن محکومیت خود و اصرار بر تحقق خواسته های مبنی بر برداشته شدن اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی مدنی حاضر به رفتن به زندان نشد.

عظیم زاده در قبال اعمال فشار بر وثیقه گذاران اعلام کرده است من در منزل حضور دارم و کسانیکه مرا به طور غیر قانونی به زندان محکوم کرده اند اگر اصرار بر تداوم اعمال غیر قانونی خود دارند میتوانند مرا با زور و متوسل شدن به اقدامات غیر قانونی از منزل به زندان منتقل کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن اعمال فشار بر وثیقه گذران جعفر عظیم زاده، اعلام میدارد همچنان که تا به حال امنیتی کردن فعالیتهای صنفی مدنی نتوانسته است مانعی در برابر حق خواهی کارگران و معلمان ایجاد کند از این پس نیز تداوم چنین سیاستهایی راه به جایی نخواهد برد و کارگران و معلمان ایران متحدانه تر از پیش برای دست یابی به حقوق انسانی شان به پیش خواهند رفت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۵ آذر ماه ۱۳۹۵

تجمع کارگران مجتمع سبز مهاباد

تجمع کارگران مجتمع سبز مهاباد برای ۲۶مین روز متوالی / مذاکرات بر سر حقوق صنفی از سر گرفته شود

ایلنا: کارگران مجتمع سبز مهاباد برای ۲۶مین روز متوالی مقابل این مجتمع تجمع کرده اند. تجمع کنندگان از خرداد ۹۴ مطالبات مزدی خود را دریافت نکرده اند و تنها به آنها مبالغی به صورت علی الحساب پرداخت شده است که تکاپوی معیشت آنان را نمی دهد.

چندین نفر از کارگرانی که در تجمع امروز حضور دارند به ایلنا گفتند که برای ۲۶مین روز مقابل این مجتمع تجمع کرده اند و خواستار دریافت مطالبات مزدی خود هستند اما تاکنون مدیران این مجتمع در این خصوص به آنها پاسخی نداده اند.

این کارگران می گویند در کل نزدیک به ۱۰۰ کارگر هستیم که به دلیل بدحسابی کارفرما و توقف تولید با مشکل معیشتی روبرو شدیم.

آنطور که کارگران می گویند مبالغی به آنها به صورت علی الحساب پرداخت شده است اما مبالغ پرداختی تکاپوی معیشت کارگران و زندگی آنان را نمی کند و به همین دلیل آنها بر ادامه اعتراض خود مصر هستند.

در این تجمع همانند تجمعات روزهای گذشته، کارگران کشت و صنعت، مجتمع دامداری، سردخانه زمزم و هما مرغ مهاباد حضور دارند.

کارگران همچنین در اطراف کارخانه چادر برپا کرده اند و به علت سردی هوا به داخل مجتمع رفته اند اما تاکید دارند که همزمان با پرداخت مطالبات، مذاکرات بر سر حقوق صنفی از سر گرفته شود.

احکام امنیتی علیه کارگران، معلمان و مردم معترض باید ملغی شود!

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی



قتل دو دختر جوان در ۲۴ ساعت

طبق گزارشهای رسیده به جمعیت حقوق بشر کوردستان در ۲۴ ساعت گذشته ۲ دختر نوجوان در نزدیکیهای کامیاران و پاوه به قتل رسیده اند. در این گزارش آمده است که دختر ۲۲ ساله ای در روستای میرعبدلی از توابع باینگان شهرستان پاوه در اوائل روز ۲۹ آذرماه به قتل رسیده است. علت قتل وی اختلافات خانوادگی اعلام شده است و گویا یکی از بستگان این دختر توسط نیروهای انتظامی پاوه دستگیر و به عنوان قاتل وی بازداشت شده است.

در همین رابطه آمده است که اوایل همان شب نیز جسد یک دختر جوان دیگر در کنار جاده روستای تهریزی از توابع کامیاران پیدا شده است.

در این گزارش آمده است که احتمال دارد او پس از کشته شدن، به علت تاریک بودن مسیر توسط اتومبیلهای جاده زیر گرفته شده، زیرا که جسد این دختر به طور فجیعی آسیب دیده و له شده است. به گزارش رسیده تا کنون از مشخصات و چگونگی مرگ وی اطلاعی بدست نیامده است.

وضعیت ۱۶ زن زندانی سیاسی از کردستان

۱_ **سودابه حسن خانی**، ۳۱ ساله، مهندس کامپیوتر، اهل حلب از توابع بیجار اتهام: "جاسوسی برای کشور بیگانه و فعالیت تبلیغی علیه نظام حکم: ۹ سال زندان. زندان کرمان

۲_ **سهیلا مینایی**، ۲۷ ساله، اهل دیواندره اتهام: "همکاری با یکی از احزاب کردی" حکم: ۳ سال و ۱ ماه زندان و تبعید به زندان کرمان

۳_ **فریده خوشنام**، ۳۲ ساله، اهل تکاب و دارای لیسانس حقوق اتهام: "اقدام علیه امنیت کشور از طریق ارتباط موثق با اطلاعات حکومت اقلیم کردستان" حکم: ۱۴ سال حبس، ۸۰ ضربه شلاق و تبعید به زندان کرمان

۴_ **افسانه پایزیدی**، ۲۸ ساله، دانشجوی اهل بوکان اتهام: "تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبری و همکاری با یکی از احزاب کردی" حکم: ۴ سال زندان و تبعید به زندان کرمان

۵_ **گلناز آهنگ خوش**، اهل روستای "برده رش" ارومیه اتهام: "قصد ملحق شدن به یکی از احزاب کردی و محاربه حکم: بلاتکلیف زندان مرکزی ارومیه

۶_ **واضیه حکیمی**، اهل ماکو اتهام: "عضویت در پژاک" حکم: بلاتکلیف زندان مرکزی ارومیه

۷_ **روژین پایه**، اهل یکی از روستای ارومیه. اتهام: "عضویت و طرفداری از یکی از احزاب کرد اپوزیسیون ایران" حکم: ۶ سال زندان یاسوج

۸_ **قدریه قادری**، ۲۷ ساله، اهل شهر "وان" کردستان ترکیه اتهام: "عضویت در حزب

کارگران از طریق تبلیغ به نفع این حزب و ایجاد سازماندهی شهری و برهم زدن امنیت ملی" حکم: ۷ سال حبس و تبعید به زندان یاسوج.

۹_ **سرین امین زاده**، ۲۴ ساله، دانشجوی رشته حسابداری، اهل مهاباد و ساکن سنندج اتهام: "همکاری موثق با حزب دمکرات کردستان حکم: ۳ سال حبس تعزیری زندان مرکزی سنندج

۱۰_ **صافیه صادقی**، ۲۵ ساله و اهل سلماس اتهام: "محاربه" حکم: ۵ سال زندان. زندان مرکزی سنندج

۱۱_ **شلا محمدیانی**، ۲۸ ساله و اهل مهاباد اتهام: "عضویت در یکی از احزاب کردی و تبلیغ علیه نظام" حکم: ۴ سال حبس زندان تبریز

۱۲_ **هاجر پیری**، ۳۳ ساله، اهل نقده. اتهام: "عضویت در یکی از احزاب کرد مخالف نظام و اقدام علیه امنیت نظام" حکم: ۱۷ سال حبس و تبعید به زندان کرمان زندان تبریز

۱۳_ **لاوین کریمی**، ۲۶ ساله، دانشجوی اهل سقز اتهام: "همکاری با یکی از احزاب کردستانی" حکم: ۳ سال حبس و تبعید به زندان مهاباد. زندان همدان

۱۴_ **پرستو حاجیان**، اهل سقز اتهام: "عضویت در یکی از احزاب کردی و فعالیت تبلیغی علیه نظام" حکم: بلاتکلیف زندان زنجان

۱۵_ **زینب جلالیان**، ۳۴ ساله، اهلی روستای "دیم قشلاق" ماکو اتهام: "اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و عضویت در پژاک" حکم: حبس ابد زندان مرکزی خوی

۱۶_ **مریم مقدسی**، اهل نقده اتهام: "تبلیغ علیه نظام و همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون ایران" حکم: ۹ سال زندان. زندان مرکزی اوین

اعتصاب غذای لاوین کریمی در زندان همدان
لاوین کریمی دانشجوی لیسانس مدیریت در زندان همدان به شدت دچار خونریزی معده شده اما مسئولان زندان از انتقال وی به

بیمارستان خارج از زندان امتناع می کنند. خانواده این زندانی سیاسی مدت دو ماه است که در حال پیگیری مرخصی استعلاجی لاوین هستند ولی دادستانی حاضر به پذیرفتن مرخصی او نیست.

وی در اعتراض به این امر از روز چهارشنبه ۱ دی ماه ۹۵، دست به اعتصاب غذا زده و اعلام کرد که تا رسیدن به خواسته هایش یعنی مرخصی اعتصاب را نمی شکند.

لاوین کریمی از روز ۲۴ مردادماه ۱۳۹۴ از سوی نیروهای اطلاعات سقز به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد بازداشت و در دادگاهی ناعادلانه به ۵ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شد.

حکم وی پس از اعتراض وکیل مدافعش از سوی دادگاه تجدید نظر به ۳ سال حبس و تبعید به زندان همدان تقلیل یافت. این دانشجوی در بازداشتگاه اطلاعات مورد شکنجه شدید قرار گرفته و بهمین دلیل اکنون از ناراحتی و خونریزی شدید معده رنج میبرد. مسئولین زندان به لاوین گفتند که وزارت اطلاعات اجازه خروج ایشان را به خارج از زندان، جهت درمان نمی دهد.

کردستان عراق

خودکشی یک دختر دانشجو در شهر کرکوک

در محله "غه رنانه" شهر کرکوک یک دختر دانشجو خودکشی کرد و نحوه خودکشی خود را با موبایلش ضبط کرد. مامور پلیس آسایش کرکوک گفت: "شب ۲۲ دسامبر بدنبال اطلاع یافتن از اینن خودکشی به محل وقوع این ماجرا رفته و معلوم شد دختری به اسم "تیلاف زیاد غالب"، ۱۹ ساله که دانشجوی رشته پزشکی در دانشگاه با طناب خود را حلق آویز کرد و این صحنه را با موبایل خود فیلم گرفت."

لازم به ذکر است که خودکشی زنان و دختران در کردستان عراق متاثر از نقش حاکمیت، فشارهای اقتصادی، فرهنگی، سنت و

روشهای عقب مانده و مرد سالاری، همچنین تاثیرات مخرب نقش اسلام در زندگی روزمره آنان از عوامل مهم این اتفاقات در میان زنان است.

ناموس پرستی بار دیگر جان دختری را گرفت

هفته گذشته دختری به اسم "سه روین نویه داراهل منطقه بارزان"، به دست پدرش به آتش کشیده شد. این اولین بار نیست که چنین قتلهایی انجام میگیرد و بار آخر هم نخواهد بود. تا زمانی که زنان در جامعه بر اساس قوانین نابرابر حاکم در جایگاه پائینتری قرار دارند و به عنوان جنس دوم محسوب میشوند، در بر همین پاشنه خواهد چرخید. در کردستان تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد، همچنان فرهنگ و سنتهای عشیره ای و مرد سالار به جان سختی خود ادامه میدهند.

قتل دختر توسط پدر در شهر کرکوک

بعد از ظهر روز ۱۶ دسامبر در محله رحیم آباد شهر کرکوک یک زن ۲۸ ساله به نام "ژاله س" که پیشتر از همسر اولش جدا شده بود، تصمیم می گیرد با فرد دیگری ازدواج کند اما از آنجا که پدر ژاله با نحوه ازدواج دوم او که همانا عدم رضایت پدر بود، با اسلحه کلاشینکف او را بقتل میرساند.

خشونت ادامه دارد

زنی که مادر پنج فرزند بود توسط همسرش مورد خشونت خانگی قرار گرفت. این زن روز هفتم دسامبر در خانه خود در شهر سلیمانیه مورد خشونت قرار گرفته و ۱۵ روز است که در بیمارستان سلیمانیه در حالت بیهوشی بسر میبرد. طبق این خبر همسر این زن بعد از ضرب و شتم و شکستن هفت دنده استخوان قفسه سینه، او را از پنجره به حیاط خانه پرت کرد است. بچه هایش که شاهد چنین صحنه ای بوده اند در حال حاضر در پرورشگاه شهر سلیمانیه نگهداری می شوند.

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!